

# دستگیری پرویز سالاروند

## و ضرورت مبارزه برای ایجاد تشکل کارگری

"کارآمد"، نشریه گروه صنعتی ایران خودرو، در شماره ۱۰۰ خود در تاریخ شنبه ۱۷ اردیبهشت اعلام کرد که "پ-س" (پرویز سالاروند) به جرم "قطع عمدی برق و خرابکاری" دستگیر شده و به جرم خود "اقرار" کرده است. ما فرض می‌کنیم خیرفوق صحت دارد و پرویز سالاروند، داوطلبانه و بی آن که شکنجه شده باشد، به "قطع عمدی برق" اقرار کرده است. با شنیدن این خبر، برای هر کارگری که حتی دستی از دور برآتش دارد پرسش‌های زیر مطرح می‌شود که ما در این جا می‌کوشیم به سهم خود به آن‌ها پاسخ دهیم:

### ۱- چرا پرویز سالاروند دست به چنین کاری زده است؟

آشکار است که آن چه سالاروند را به انجام این عمل واداشته شدت وحشتناک بهره‌کشی از کارگران ایران به ویژه کارگران ایران خودرو، از یک سو، و بی حقوقی مطلق کارگران از سوی دیگر است. کارگر ایران خودرو مدت‌ها است که در شرایط پرخطری کار می‌کند که به صدمه‌های بسیار و حتی مرگ چندین کارگر انجامیده است: شدت کار طاقت فرسا، اضافه کاری اجباری، کارکردن در تمامی تعطیلات رسمی و قراردادی و بسیاری از جمع‌ها، شرایط ناایمن شغلی ناشی از قراردادهای موقت و پیمانکاری، و در مقابل این‌ها دادن دستمزدها و پاداش‌های نجومی به مدیران. هر یک از این‌ها کافی است که کاسه صبر کارگر را لبریز کرده و او را به عصیان ماجراجویانه بکشاند. در شرایطی که، از یک سو، مدیران ایران خودرو با تأیید و همکاری وزارت کار، سازمان گسترش و نوسازی صنایع، و سایر نهادهای دولتی در بزرگ‌ترین کارخانه خودروسازی خاورمیانه و در قرن بیست و یکم اوضاعی مشابه برده داری ایجاد کرده‌اند و، از سوی دیگر، کارگران از هیچ گونه حقوقی برای اعتراض و اعتصاب و تجمع و تشکل برخوردار نیستند، آیا دور از انتظار است که کارگری با انگیزه دفاع از خود و همکارانش برای خواباندن تولید و کم کردن فشار کار برق خط تولید را قطع کند؟

### ۲- آیا کار پرویز سالاروند درست است؟

نه. ما این کار را درست نمی‌دانیم. ما شیوه‌های ماجراجویانه مبارزه علیه سرمایه داری را محکوم می‌کنیم و این قبیل حرکت‌ها را برضد خود کارگران و نوعی خودزنی می‌دانیم. طبقه کارگر با بیش از دویست سال مبارزه علیه سرمایه داری مدت‌ها است که از این شیوه‌های مبارزاتی دست برداشته است. خراب کردن ماشین‌آلات و محصولات یعنی از بین بردن دسترنج و تلاش خود کارگر و تیشه به ریشه خود زدن. از سوی دیگر، این قبیل حرکات عرصه زندگی و مبارزه را بر کارگران تنگ‌تر می‌کند، زیرا دست کارفرما و دولت را بازتر می‌کند تا شرایط کار را خفقان‌آورتر کند. علاوه بر این‌ها، مبارزه ماجراجویانه آگاهی کارگران را رشد نمی‌دهد، مبارزه آنان را وسعت و عمق نمی‌بخشد، اعتماد به نفس آنان را افزایش نمی‌دهد، و به جای فراخواندن عموم کارگران به صحنه مبارزه با اجحاف‌ها و ستم‌های نظام سرمایه داری آنان را چشم انتظار حرکت "فهرمانان" نگه می‌دارد.

### ۳- پس چه باید کرد؟

برای آن که بتوانیم آموزش ببینیم تا شیوه‌های اصولی و درست مبارزه کارگری را برگزینیم، برای آن که بتوانیم از دست فشار کار طاقت فرسا رها شویم، برای آن که بتوانیم از شر اضافه کاری اجباری خلاص شویم، برای آن که بتوانیم به قراردادهای موقت

و پیمانکاری پایان دهیم، برای آن که بتوانیم شرایط غیرانسانی محیط کار و ستمگری های کارفرمایان و دولت را از میان برداریم، برای آن که بتوانیم از صدمات و مرگ گارگران درحین کار جلوگیری کنیم، برای آن که بتوانیم درمقابل پایمال شدن حقوق کارگران بایستیم، برای آن که بتوانیم از همکار معترض و زندانی خود دفاع کنیم، برای آن که بتوانیم آزادانه و بدون ترس از زندان و شکنجه و اعدام حرف خود را بزنیم، و سرانجام برای آن که بتوانیم به زندگی شایسته انسان دست پیدا کنیم و در جامعه ای زندگی کنیم که در آن از فقر، گرسنگی، تبعیض، فساد، سرکوب، آدم کشی، اعتیاد و تن فروشی خبری نباشد، **قبل از هر چیز باید متشکل شویم.** باید تشکلی کارگری با هدف مبارزه با سرمایه داری ایجاد کنیم تا ما را علیه سرمایه دارانی که با مکیدن شیره جان ما روز به روز سفره ما را بی رونق تر و سرمایه و زندگی خود را پررونق تر می کنند، متحد سازد. اگر پرویز سالاروند این گونه تیشه به ریشه خود می زند، یک علت آن این است که تشکیلات ندارد که دردش را چاره کند. اگر او تشکیلات می داشت، به جای این که سیم برق را قطع کند اعتراض و نارضایتی خود را با همکاران متشکل خود درمیان می گذاشت و آنان را فرا می خواند که همچون تنی واحد و همبسته برای پایان دادن به فشار توان فرسای کار اعتصاب کنند و گل چرخ تولید ایران خودرو را از حرکت بازدارند و بدین سان عاملان و مباشران سرمایه داری در این کارخانه را مجبور سازند که به خواست کارگران تمکین کنند. اگر سالاروند تشکیلاتی می داشت که هدفش برچیدن نظام سرمایه داری بود، اکنون به جای آن که او محاکمه شود کارگران می توانستند سرمایه دار را به عنوان "خرابکار" به پای میز محاکمه بکشانند، چرا که خرابکار واقعی نه پرویز سالاروند بلکه سرمایه داری است که هم تسمه از گرده سالاروند و سالاروندها می کشد وهم، به گاه اعتراض، آنان را به عنوان مجرم دستگیر و محاکمه می کند.

**کارگران ایران خودرو!**

شما به درستی هم اکنون پرویز سالاروند را تنها نگذاشته اید و به طرق مختلف به کمک های خود به او و خانواده اش ادامه داده اید. بی تردید، این کمک ها باید همچنان ادامه داشته باشد و به سطح مبارزه برای آزادی او ارتقا یابد. اما بدانید که بزرگترین کمک به سالاروند و سالاروندها مبارزه برای متشکل شدن است. پس

**کارگران بیایید علیه سرمایه متشکل شویم!**

کمیته همahنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۳۸۴/۲/۲۸